

متن سخنرانی جناب آقای دکتر سید محمد حسین عادل
ریاست کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و ریاست هیأت امناء
مؤسسه بانکداری ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

تشکر می‌کنم از دست اندرکاران و برگزارکنندگان سمینار خصوصاً آقای دکتر میرزا- باقری که تنظیم برنامه‌ها و دعوت از اساتید محترم برای پربارتر کردن بحثهای مربوط به سمینار با مساعی ایشان انجام پذیرفته است.

هفته بانکداری اسلامی را به همه همکاران عزیزم در شبکه بانکی تبریک عرض می‌کنم و ضمن تشکر برای تلاشهایی که در سیستم بانکی می‌کنند آرزوی موفقیت دارم. در هفته بانکداری خصوصاً بعد از گذشت یک‌دهه از عملیات بانکداری بدون ربا لازم است از کسانی که زحمت زیادی برای این شیوه بانکداری کشیدند تشکر کنیم و تلاش آنها را گرامی بداریم. حضرت آیت‌ا... رضوانی به عنوانی یکی از مجتهدین و فقهای شجاع زمان ما زحمات بسیار زیادی برای تدوین شیوه‌های بانکداری بدون ربا تقبل فرمودند. با این کار حقیقتاً فصل نوینی در اقتصاد کشور ما و در اقتصاد کشورهای مختلف باز شده است که بعداً به این نکته اشاره بیشتری خواهم کرد. به علاوه از همه کارشناسان که زحمت کشیدند و به این شیوه کمک کردند سپاسگزاری می‌نمائیم.

متأسفانه باید بگوئیم که در کشور ما شیوه‌ها و وجوه اسلامی در همه زمینه‌های علوم جدید خصوصاً علوم انسانی تبیین و تدوین نگردیده و به صورت شیوه‌های مدون اجرایی هنوز در نیامده است. به هر حال اقتصاد اسلامی علاوه بر بانکداری وجوه بسیار زیاد دیگری دارد و سئوالات و نقاط ابهام بسیار زیادی هنوز وجود دارد که بر روی آنها کار نشده است. مسلماً این مسئولیت در درجه اول بر دوش علماء اسلامی ما قرار دارد و همکاری کارشناسان، دست اندرکاران اجرایی و اساتید ذیربط را می‌طلبد. جامعه اسلامی ما هنگامی می‌تواند بالنده باشد، در جهان امروز مطرح گردد و با فکر و ایده‌های نوینی که هر روز عرصه می‌شود رقابت کند که ذهن و قلب انسانهای مختلف را به خود معطوف نماید و در این پویایی بتواند برجستگی خاصی را نشان دهد.

انتظار ما اینست که انشا... در این روند تکاملی که جمهوری اسلامی دارد طی می‌کند این وجه از مسائل اجتماعی ما رشد چشمگیری داشته باشد. در این خصوص، چند نکته را به اختصار حضورتان عرضه خواهیم داشت: نکته اول این است که بعد از گذشت ۱۰ سال علیرغم تردیدهایی که در کارآمد بودن بانکداری اسلامی وجود داشت، این شیوه بانکداری در کشور ما موفق بوده و توانسته است یک سیستم عملی و کارآمدی را به نمایش گذارد. بسیاری در کشورهای دیگر و کشور خودمان تردید داشتند که با استقرار سیستم پولی ما در چارچوب بانکداری بدون ربا آیا چرخ اقتصادی ما به گردش در می‌آید یا خیر؟ پس از گذشت ۱۰ سال مشخص شده که این کار عملی است و کارآمد می‌تواند به اجرا در آید. چون ایران نخستین کشوری بود که به صورت جامع این سیستم را به اجرا در می‌آورد. لذا در این زمینه تردیدها و تشکیک‌های فراوانی وجود داشت. قبل از ما یکی دو کشور بودند که به صورت محدود قسمتی از سیستم پولی خود را با این روش و این نظام به اجراء گذارده بودند. تنها ایران بود که از سال ۶۳ به طور جامع این سیستم را آغاز کرد و توجه همه کشورهای دیگر را به خود معطوف داشت. از دید مصارف و نیز از دید منابع به عنوان مهمترین وظیفه هر بانک. آمار و ارقام را شنیدید، آمار و ارقامی که نشان دهنده یک عملکرد بسیار مثبت است. از نکات بسیار مهم این است که وقتی ما روش نوینی را به مرحله اجراء در می‌آوریم. لازمه زنده بودن نظام این

است که در چارچوب آن بتوانیم پویایی آن را حفظ کنیم و به استعانت تمهیداتی بتوانیم این پویایی و کارآمد بودن را استمرار دهیم.

به استناد آمار موجود در خلال سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۸ حجم سپرده‌های ما از پنج هزار میلیارد به ۱۲ هزار میلیارد ریال بالغ گردید و در خلال ۴ سال گذشته از ۱۲ هزار میلیارد ریال به ۳۳ هزار میلیارد ریال رسید. یعنی رشد سپرده‌ها در دوره اول به ۲۴۰ درصد و در دوره دوم ۲۷۵ درصد بالغ شد. از نظر تسهیلات اعطائی از چهار هزار میلیارد ریال به هفت هزار میلیارد ریال در دوره اول و متعاقباً از هفت هزار میلیارد به ۲۸ هزار میلیارد ریال مواجه بوده‌ایم یعنی در دوره اول بارشدهی برابر با ۱۷۵ درصد و در دوره دوم حدود چهار برابر و یا چهارصد درصد در خلال چهار سال گذشته. یکی از نکاتی که به آن توجه داشتیم این بود که نرخ سود یا سهم سود سپرده‌گذار باید از یک حالت پویایی برخوردار باشد. نمی‌شود نرخ را ثابت بگذاریم و بگوییم سپرده‌گذار همواره معادل ۱۰ درصد از سود سرمایه‌گذاری خود برخوردار باشد. در بانکداری بدون ربا، سپرده‌گذار در سود حاصل از کاربرد سپرده‌های خود شریک و سهیم است و لذا، تغییرات و پویایی سیستم بازدهی سود حاصل از کاربرد سرمایه‌گذاری همواره باید مطمح نظر باشد. از این رو در مقایسه این دو دوره با یکدیگر، در دوره اخیر پویایی بیشتری را ملاحظه می‌کنیم. با توجه بدین واقعیت که در بانکداری اسلامی اساس کار مبتنی بر سود سرمایه‌گذاری است. بدین مفهوم که سود سپرده‌گذار نیز به تبع افزایش سود حاصل از سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد. به هر حال تردیدها باید برطرف شده باشد که نظامی که تحت عنوان نظام بانکداری بدون ربا فعالیت می‌نماید، می‌تواند شکل کارآمدی داشته باشد. البته ما مطمئناً آماده‌ایم مواردی را که بتواند قانون موجود را تکمیل کند و در تکامل روش کار تأثیر داشته باشد، آن موارد را به کار گیریم و از این رهگذر به جلو گام برداریم و فکر می‌کنم سازنده‌ترین نوع همکاری با نظام جمهوری اسلامی و نظام بانکداری اسلامی در این باشد که اگر مواردی به ذهن می‌رسد بر آنچه تاکنون بنا شده است اضافه شود و بتواند آن را تکامل بخشد.

نکته دوم این است که شیوه بانکداری اسلامی در کشور ما و اجرای آن باعث شد که

تفکر بانکداری مشارکتی در اقتصاد دنیا مورد توجه بیشتری قرار گیرد و اینکه به هر حال اگر مشارکت در سیستم پولی به وجود می‌آید می‌تواند اهرمهای مختلف اقتصادی را بهتر به یکدیگر وصل نماید. و این امری است که می‌بینیم در خلال سالهای اخیر در کشورهای مختلف دارد مورد توجه و اجراء قرار می‌گیرد. به گونه‌ای که در بعضی از کشورها که طبق قوانین ذریب مشارکت بانکها در سرمایه‌گذارها و سرمایه و سهام خیلی مورد توجه نبود و یا حتی ممنوع بود به تدریج این ممنوعیتها لغو می‌شود یا به تدریج بانکداری مشارکتی شعاع و سهم بیشتری را در سیستم بانکی آن کشورها حائز می‌شود. بدینگونه، نکته مهمی را که باید به آن توجه کنیم این است که اگر هدف اقتصادی و سیاستهای اقتصادی کشور ما عدالت اجتماعی باشد و بخواهیم عدالت اجتماعی را در بعد سیستم پولی به اجراء در آوریم چاره‌ای نداریم جز اینکه سپرده‌گذاران را در سرمایه‌گذارهایی که با پول آنها انجام می‌شود، مشارکت دهیم. علت اینکه در شیوه موجود، سپرده‌گذار را در سرمایه‌گذارها شریک و سهام می‌دانیم این است که با پول اوست که سرمایه‌گذاری صورت می‌گیرد نه با سرمایه یا آورده دولتی. آنچه عمده‌تاً منابع بانک را تشکیل می‌دهد پولهای مردم هستند و پولهای مردم اندک اندک جمع می‌شود و مقادیر هنگفتی را به وجود می‌آورد. حالا ما این منابع را در اختیار کسی قرار می‌دهیم که کارخانه‌ای را احداث می‌کند، یا در یک خرید و فروش معامله‌ای را انجام می‌دهد، یا ساختمان و مجتمعی را می‌سازد و سود حاصل از فعالیتهای مذکور در تمامی موارد، علی‌القاعده مربوط به کسانی است که صاحبان اصلی این منابع هستند و بانکداری ما که اساسش بر روح مشارکت است هدف عدالت اجتماعی را تأمین می‌کند. عدالت اجتماعی حکم می‌کند کسانی که دارای پس‌اندازهای کوچک هستند و بدین علت و یا عدم تواناییهای دیگر قادر نیستند که سرمایه‌های خود را به کار اندازند سیستم بانکی به عنوان یک وکیل پول آنها را در اختیار سرمایه‌گذاران می‌گذارد و متعاقباً سپرده‌گذاران را از سود حاصل از سرمایه‌گذارها برخوردار می‌نماید. اگر قرار باشد ما یک نظام بانکی داشته باشیم که به صاحبان سپرده‌های کوچک توجه نکند و سود متعلقه را به آنها ندهد این یک سیستم ظالمانه خواهد بود. ما افتخارمان این است که در سیستم موجود و به ویژه با توجهات و

سیاست‌گذارهای اخیر، توانسته‌ایم روح عدالت اجتماعی و هدف عدالت اجتماعی را در سیستم بانکی متبلور کنیم. تازه ما ادعا داریم و فکر می‌کنیم هنوز سهم واقعی سود سپرده‌گذاران به آنان داده نمی‌شود. یعنی وقتی که مدیری می‌آید و مبلغ هنگفتی از بانکی می‌گیرد و یک مجتمع ساختمانی به صورت پاساژ یا محل تجاری بنا می‌کند و میلیونها تومان از محل پول مردم می‌گیرد و سود کلانی عایدش می‌گردد، در واقع این سود پس از کسر حق‌العمل خودش متعلق به آن سپرده‌گذار است و باید به او مسترد شود. عدالت اجتماعی حکم می‌کند که سپرده‌گذار به سود مورد انتظار خود دست یابد. خوشبختانه، سیاستهای بانکی ما در این جهت سیر کرده و سعی ما معطوف بر آن بوده است که عدالت اجتماعی را در جامعه برای کسانی که صاحب پس‌اندازهای کوچک هستند و کسانی که توانایی سرمایه‌گذاری دارند به اجراء درآورد.

نکته دیگر که به عنوان نکته آخر می‌خواستم عرض کنم این است که به هر حال نظام مالی و نظام پولی یک کشور با توجه به پیچیدگیها و تکنولوژی خاص خود هر روز شاهد ابتکارات و اختراعات جدیدی است. نظام مالی در کشورهای مختلف دنیا همانطور که می‌دانید آنقدر پیچیده شده است، آنقدر ابزارهای نوینی را به کار می‌گیرد که با یک کارآیی بسیار زیادی منابع را تجهیز می‌کند و به طرف سرمایه‌گذاری سوق می‌دهد. واقعیت این است که ما هم اکنون منابع زیادی را در سیستم بانکی گرد آورده‌ایم. چهار سال قبل همواره سخن از جذب نقدینگی و سوق پولهای سرگردان به طرف بانکها در میان بود. فکر می‌کنم ما در این سیاست بسیار موفق بودیم کما اینکه بعضی اوقات کسانی ما را از این لحاظ مورد انتقاد قرار می‌دهند ولی نکته مهم این است که علیرغم موفقیت در این حد از جذب نقدینگی، منابع جمع‌آوری شده کفاف تقاضای پول را نمی‌دهد. ما بیش از مبالغ جمع‌آوری شده و جوه لازم را در اختیار مردم قرار داده‌ایم. در خلال چهار سال اخیر سپرده‌های ما از رشدی معادل ۲۵۰ درصد برخوردار بوده است و در همین مدت تسهیلات اعطائی ما ۳۱۵ درصد رشد داشته است و نکته مهم ترتیب این ۳۱۵ درصد رشد در کل تسهیلات بوده است بدین معنی که بخش تولید و صنعت و معدن از ۵۰۰ درصد، بخش کشاورزی از ۳۲۰ درصد، بخش ساختمان و مسکن از ۲۹۰

درصد و بخش بازرگانی از ۲۱۹ درصد رشد برخوردار بوده است یعنی بیشترین حجم تسهیلات اعطائی به بخش تولید تخصیص یافته است و هنوز هم مقدار تقاضا بیش از میزان تسهیلات اعطائی است. یکی از دلایل آن این است که فضای موجود اجازه نمی‌دهد که این پویایی در سیستم بانکی بر اساس اهداف عدالت اجتماعی و روح بانکداری اسلامی تابعی باشد از سودهایی که از سرمایه‌گذارها به دست می‌آید. ما معتقدیم سود بانک تابعی است از نرخ بازده سرمایه‌گذاری. اگر میزان سرمایه‌گذاری در کاری بالا باشد سود سرمایه‌گذاری نیز باید در سطح بالائی قرار گیرد. کما اینکه شما به عنوان یک فرد اگر با شخصی شریک باشید، در حصول ۱۰۰ تومان سود شما هم شریک ۱۰۰ تومان هستید. در حصول ۲۰۰ تومان سود شریک ۲۰۰ تومان. لذا وقتی نرخ سود در سیستم بانکی پایین باشد و نتواند تحرک مطلوب را داشته باشد نتیجه‌اش این است که ما با فرار سرمایه از بانکها و یک تقاضای کاذب برای پول ارزان بانکی مواجه خواهیم بود.

بحث دیگر پویایی ابزارهای مختلف نظام مالی یک کشور است و این مستلزم بازاری است که در آن بازار انواع و اقسام فعالیتها انجام پذیرد از طریق اوراق مشارکت یا اوراق سرمایه‌گذاری و نظائر آن. شاید همه مردم نخواهند پولشان را در بانک بگذارند. ما هنوز نباید فکر کنیم که برای استفاده از پس‌اندازها فقط یک روش وجود دارد برای جذب پس‌اندازها، انواع و اقسام شیوه‌های مختلف وجود دارد آیا کسی مخالف این معناست که تمام پس‌اندازها بازدهی یکسان داشته باشد؟ آیا مخالف این است که همه پس‌اندازها به ابزاری برای تولید و سرمایه‌گذاری تبدیل شود؟ پس باید فکر کرد و اندیشید که چه ابزارهای دیگری وجود دارد و اصول شرع مقدس ما چه فضائی را برای ما ایجاد می‌کند تا ما بتوانیم از این پویایی که در دنیا به وجود آمده استفاده کنیم و در برابر این سئوالات به پاسخهای لازم بیندیشیم.

من امیدوارم این جلسات کمک کند فضای لازم در اینگونه موارد به وجود آید تا ما بتوانیم انشاء... این ابزارها را در چارچوب اصول خودمان ابتکار کنیم. مشخص کنیم، خلق کنیم و آنها را در سیستم بانکی خودمان به کار گیریم. معتقد هستم هنوز در گوشه و

کنار کشورمان انواع و اقسام پولهای مختلف داریم که می تواند راهی سرمایه گذاری شود ولی نیاز به ابزارهای مختلف دارد. گرچه هم اکنون نیز سیستم بانکی ما آنقدر موفق بوده است که افراد را به جای انتخاب موارد گوناگون: خرید طلا یا دلار یا مسکن راهی بانکهای کشور کرده باشد و این برای سیستم بانکی یک موفقیت، یک گام اولیه بشمار می رود. امیدوار هستیم که انشاء... بتوانیم در این راه قدمهای بیشتری برداریم و یک اقتصاد پویا همانطور که در خورشان یک نظام اسلامی است داشته باشیم تا الگویی برای کشورهای اسلامی و بقیه کشورها باشد.

والسلام علیکم ورحمتا... و برکاته